

48-167

ایران - ایالات متحدہ



ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 48

Date of filing: 4 Sep 84

** AWARD - Type of Award interlocutory Award
 - Date of Award _____
 _____ pages in English 12 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

CASE 48

پرونده شماره ۴۸

شعبه سه

قرارا عددی شماره ۳ - ۴۸ - ۴۱ آی تی ال

ITL 41-48-3

English version

Filed on 11 JUNE 84

نسخه انگلیسی در تاریخ

ثبت شده است.

امریکن بل اینترنشنال، اینکورپوریتد،

خواهان،

- و -

IRAN UNITED STATES
CLAIMS TRIBUNAL

دادگاه داوری
ایران - ایالات متحده

ثبت شد - FILED

۱۳۶۲ / ۶ / ۱۲

4 SEP 1984

48

دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران

وزارت پست و تلگراف و تلفن جمهوری اسلامی ایران و شرکت

خوانندگان.

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

نظر موافق / مخالف ریچارد ام. ماسک در مورد موضوعات

حقوقی مقدماتی (قرارداد اعدادی)

CONCURRING AND DISSENTING OPINION OF RICHARD M. MOSK ON PRELIMINARY LEGAL ISSUES

(INTERLOCUTORY AWARD)

اینجانب با قرار اعدادی دیوان با استثنای موضوعات مندرج در بندهای د (یک) و ج موافقم. با نتیجه گیری دیوان در مورد موضوع مندرج در بند د (یک) مبنی بر اینکه دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل مبتنی بر قرارداد ۱۱۲، یعنی قراردادی که موضوع ادعا نبوده، را دارد، مخالفم. من همچنین با تصمیم دیوان در مورد موضوع بند ج مخالفم، به این علت که دیوان نمیتواند حتی یک نتیجه گیری آزمایشی مشعر بر مخالفت با قید محدودیت میزان مسئولیت کرده باشد، بدون آنکه طرفین خود آن موضوع را طرح کرده یا به آن پرداخته باشند. هر چند با تصمیمات متخذه درباره سایر موضوعات موافقم، با اینحال، ذیلاً "بعضی سئوالات مربوط به تصمیمات دیوان را در مورد موضوعات بند د (سه)، ز و ط و ی مورد بحث قرار میدهم.

موضوعات د (سه) ز، ط و ی

دیوان، بعد از جلسه استماع مقدماتی و تسلیم لوایح طرفین، ضمن دستوری اعلام کرد که درباره بعضی موضوعات (که بعنوان موضوعات حقوقی مقدماتی" مورد اشاره قرار میگیرد) تصمیم خواهد گرفت. دیوان قصد داشت موضوعاتی را که باید در جلسه استماع نهائی مورد رسیدگی قرار گیرد مشخص نموده و احتمالا" از شما رآنها بکا هد. من بـا ب نمونه، اگر دیوان اثر شروط محدودیت قراردادی را تعیین می کرد، طرفین می دانستند که در جلسه استماع باید مدارک حجیمی در مورد جنبه های مختلف پروژه مورد اختلاف، ارائه دهند یا خیر. همچنین، تصمیم دیوان در مورد ادعاهای متقابل مربوط بـه مالیات و حق بیمه های اجتماعی، طرفین را از این امر که آیا باید جهت جلسه استماع ماهوی اینگونه ادعاهای متقابل یا قسمتهائی از آنها خود را آماده کنند یا خیر، آگاه می کرد. بنا براین، دیوان فرصت لازم جهت تسلیم مطالب حقوقی و ماهوی درباره آن "موضوعات حقوقی مقدماتی" را به طرفین داد. در واقع، میتوان گفت که رسیدگیها تا این تاریخ اطلاع یافته است.

بنا براین، دیوان چنین رای داده است که محدودیت های زمانی قراردادی قابل اجراست و اینکه، تا اینجا، نشانه و قرینه ای در دست نیست که این محدودیتها نافذ نباشد. چون مدرکی حاکی از اختلاف واقعی در مورد اعمال شرایط محدودیت زمانی قراردادی ارائه نشده، لذا اثر این شرایط موضوعی است صرفا "حقوقی". متاسفانه، طرز انشاء رای دیوان، بعضا "طوری است که این شبهه را ایجاد می کند که خوانندگان هنوز فرصت دیگری برای ارائه مدارکی که نشان دهد میتوان از شرط محدودیت زمانی احتراز کرد، دارند. بدین ترتیب، طرفین هنوز نمیتوانند یقین داشته باشند که تا چه حد باید مدارک در مورد استدلالاتی که با اعمال شرط محدودیت زمانی منتفی می شود، ارائه دهند. ظاهرا" اگر دیوان در آینده با این مسئله روبرو شود که تعیین کند شرط محدودیت های زمانی قابل احتراز است یا خیر، و اگر قابل احتراز است تا چه حد، وضع مدافعات و بموقع بودن لوایح و مدارک تسلیمی درباره موضوع را، در مدنظر قرار خواهد داد.

مضافاً، دیوان باید تعیین می‌کرد که آیا صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل مالیات و حق بیمه‌های اجتماعی را دارد یا خیر (موضوع د (سه))، من اعتقاد راسخ دارم که دیوان چنین صلاحیتی ندارد. این موضوع را در نظر موافق خود در پرونده ویلیام ال پریرا اسویتس، ایران و جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۳ - ۱ - ۱۱۶ (۱۹ مارس ۲۸/۱۹۸۴ اسفندماه ۱۳۶۲) مورد بحث قرار داده‌ام. اگر دیوان نظر میداد که صلاحیت رسیدگی به اینگونه ادعاهای متقابل را ندارد، طرفین در جلسه استماع به آن ادعاهای متقابل نمی‌پرداختند. مضافاً، نظریه رویه دیوان در اتخاذ تصمیم درباره ماهیت پرونده‌ها ضمن اجتناب از موضوع صلاحیت، رویه‌ای که مورد اعتراض اینجانب واقع شده (رجوع شود به شرینگ کورپوریشن علیه جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳ - ۳۸ - ۱۲۲ (۱۶ آوریل ۱۹۸۴ (۲۷ فروردینماه ۱۳۶۳) نظر مخالف ریچارد ام. ماسک (۱۸ آوریل ۲۹/۱۹۸۴ فروردینماه ۱۳۶۳) جای تعجب است که دیوان موضوعی را بلا تکلیف رها میکند. دیوان در مورد ماهیت ادعاهای متقابل مالیات و حق بیمه‌های اجتماعی در موضوع ط بحث میکند بدون آنکه موضوع صلاحیت را حل کرده باشد.

دیوان این مسئله را بلا تکلیف می‌گذارد که کدامیک از ادعاهای نقض (درا جرا - م) را که در مواد ۲/۱۸ و ۲/۲۰ مجاز دانسته شده، می‌توان اعراض شده تلقی کرد. رابطه بین مواد ۲/۱۵ و ۲/۱۶ از یک طرف و مواد ۲/۱۸ و ۲/۲۰ از طرف دیگر، از نص صریح آن مواد، کاملاً روشن نیست. ظاهراً "باید شروط بنحوی تفسیر شود که شرکت مخابرات نتواند در صورتیکه کار طبق مواد ۲/۱۵ و ۲/۱۶ تصویب شده تلقی شده نوز ادعائی مبتنی بر نواقص مشهود داشته باشد. وقتی شرکت مخابرات با تصویب خود اجازه داده کار را به خواهان می‌دهد و بعداً "می‌تواند ادعائی بر اساس نواقص مشهود که میبایست در موقع تصویب کشف شده باشد، اقامه نماید، مواد ۲/۱۵ و ۲/۱۶ دیگر مفهومی پیدان نمیکنند.

اگر ادله و مدارک واصل به دیوان حل این موضوع بلا تکلیف را ضروری میسازد، در آن صورت طرفین باید بفرآیند تهیه مدارک و مطالبی، از جمله مدارک مربوط به عرف و عادت باشند که بدیوان در اخذ چنین تصمیمی کمک کند.

موضوع ج

با نتیجه‌گیری دیوان در مورد موضوع ج لزوماً " مخالفت نمیکنم، فی الواقع، نظر دیوان مبنی بر اینکه ماده ۲/۲۱ (قید محدودیت میزان مسئولیت) قراردادهای مورد بحث، مسئولیت بالقوه امریکن بل را واقعاً " محدود میکند، نظر صحیحی است. مخالفت من تنها به این علت است که دیوان اظهار میدارد " غفلت عمده " (یا مسامحه فاحش - م) استثنائی در قیود محدودیت میزان مسئولیت به شمار می‌رود. خوانندگان استدلال کردند که اعمال عمدی باید استثناء شده، ولی هرگز اظهار نکردند که غفلت عمده نیز بمنزله استثناء است. براین اساس، خواهان به موضوع استثناء اخیرالذکر نپرداخته است. دیوان می‌پذیرد که طرفین میتوانند منبعمطالبی در مورد آن موضوع به ثبت رسانند. بنابراین من معتقدم که با توجه به شرایط و اوضاع، صحیح نبوده، که دیوان هیچگونه نتیجه‌گیری حتی یک نتیجه‌گیری آزمایشی - بدست دهد، مبنی بر اینکه غفلت عمده، استثناء در قیود محدودیت میزان مسئولیت میباشد.

معتبر بودن قید محدودیت میزان مسئولیت را هر قانونی که حاکم شناخته شود، تأیید می‌کند. ماده ۱۵ قرارداد مقرر می‌دارد که قراردادها " از هر لحاظ تابع قوانین دولت شاهنشاهی ایران و ایالات متحده امریکا میباشد، اما قانون حاکم (قرارداد) قانون ایران است. " "مقبولیت آزادی انتخاب قانون حاکم بر قرارداد برای طرفین آنچنان توسعه یافته که باید گفته شود که یک اصل کلی حقوقی مورد قبول ملل متمدن میباشد."

Lando, Contracts, Ch. 24, in III International Encyclopedia of Comparative Law 33 ;1976).

(۱) احتمالاً " بموجب ماده ۵ بیانیه حل فصل دعاوی که به دیوان اختیار می‌دهد " مقررات حقوقی و اصول حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل را به کار برد و در این مورد کاربردهای عرف بازرگانی، مفاد قرارداد و تغییرات اوضاع و احوال را در نظر گیرد "، دیوان می‌تواند قانونی غیر از آنچه طرفین قرارداد معین نموده‌اند، بکاربرد. دیوان در مورد قانون حاکم، رهنمود کافی ارائه نمی‌کند. عملاً " در بسیاری از موارد انتخاب استفاده

(۱) بیانیه دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر در مورد حل فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران.

از حقوق بین‌الملل عمومی، اصول کلی حقوقی، قوانین مدنی (فعلی یا گذشته) یا قوانین دیگر، در نتیجه امر اثری ندارد. در مورد قانون حاکم رجوع شونده و ویل فیلد آتگزاس اینکورپوریتد علیه ایران قرار اعدادی ۴۳ - ۱۰ دیوان عمومی (۹ دسامبر ۱۹۸۲ / ۱۸ آذرماه ۱۳۶۱) همان مآخذ، نظر موافق ریچارد ام. ماسک (۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ / ۱۹ آذرماه ۱۳۶۱)، Settlement of Disputes, in 1 Encyclopedia of Public International Law 130, 144, 147 (1981); A. Feller, The Mexican Claims Commissions 223 (1935).

در قوانین ایران، ظاهراً "محدودیت قانونی صریحی درباره قید محدودیت میزان مسئولیت وجود ندارد. در ماده ۱۰ قانون مدنی ایران مقرر است که "قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتیکه مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است". (ترجمه صبی ۱۹۷۳) (تأکید اضافه شد). این قبیل قیود در بسیاری از نظامهای حقوقی قابل اجرا می‌باشد. رجوع شونده: von Mehren, A General View of Contract, Ch. 1, in VII International Encyclopedia of Comparative Law 41-46 (1982); Limpens, Kruithof and Meinertzhagen-Limpens, Liability For One's Own Act, ch. 2, in XI International Encyclopedia of Comparative Law 133-34 (1979); A. von Mehren and J. Gordley, The Civil Law System 815 (1977); Litvinoff, Stipulations as to Liability and as to Damages, 52 Tul. L. Rev. 258, 290 (1978).

در پرونده حاضر قراردادها بین دو واحد منعقد شده است که از قدرت چانه‌زنی نسبتاً برابر برخوردارند. قوانینی وجود ندارد که قیود قراردادی محدودیت میزان مسئولیت را بتوان تحمیلی تلقی کرد. این امر غیر عادی نیست که شرکتی، در هنگامی که مسئولیت احتمالی رفتار قابل تعقیب ناشی از اجرای قرارداد، تناسبی با هرگونه سود حاصل از آن قرارداد نداشته باشد، برای محدودیت چنین مسئولیتی چانه‌بزند و آن را در قرارداد بگنجانند. در اکثر موارد، شرکت بدون چنین شرطی حاضر به عقد قرارداد نمی‌شود. نشانه و قرینه‌ای وجود ندارد که حداکثر میزان خسارت پیش‌بینی شده در قراردادهای مورد اختلاف بطور غیر معقول کم بوده است. بنا بنوشته یکی از ما حینظران "در اغلب موارد طرفین

باید آزادانه کلیه ریسک های لاینفک معامله را سرشکن کنند" von Mehren مذکور فوق صفحه ۴۱. قانون مربوط به کالای مصرفی که ممکن است موجب صدمه جسمی شوند، ارتباطی به خدماتی که در پرونده حاضر ارائه شده است، ندارد. بعلاوه، ممکن است که قانون مربوط به قیود مختلف ابراء در مورد شرایط محدودیت میزان مسئولیت صادق نباشد. نظریه مراتب پیش گفته، دیوان بدرستی شرایط محدودیت میزان مسئولیت را معتبر و در مورد این پرونده قابل اعمال می‌شناسد.

دیوان در مستثنی شناختن شرایط محدودیت میزان مسئولیت ذکری از هیچ قانون به میان نمی‌آورد. ^(۲) فرض بر این که شرط محدودیت میزان مسئولیت، نافی مسئولیت بابت ارتکاب عمدی شبه جرم نیست، غیر منطقی نمی‌باشد. ظاهراً "طرفین در این پرونده در این مورد توافق نظر دارند. دیوان در تائید اظهار خود مبنی بر اینکه "غفلت فاحش می‌تواند بمنزله استثناء دیگری باشد"، ذکری از "قانون خاص حاکم بر قراردادها" به میان نیاورده است. همانطور که در فوق اشاره شده خواننده هرگز پیشنهاد چنین استثنائی را نکرده و بدین ترتیب هیچیک از طرفین استدلالی در مورد این موضوع ارائه نداده‌اند. این امر که آیا طرفین میزان مسئولیت بابت "غفلت فاحش" را محدود کرده یا می‌توانند محدود کنند موضوعی را طرح می‌کند که در آن باره اتفاق نظری در جهان وجود ندارد. رجوع شود به: von Mehren, *supra*, at 41-46; Limpens,

Kruithof and Meinertzhagen-Limpens, *supra*, at 128-34; A. von Mehren and J. Gordley, *supra*, at 813-15; F. Lawson, A. Anton & L. Brown, Amos and Walton's Introduction to French Law, 191 (3d ed. 1967).

(شروطی که مسئولیت را محدود می‌کنند، وقتی نقض عمدی وجود داشته باشد "واحتمالاً" نیز، وقتی از تقصیر فاحش از ناحیه بدهکاران یا خدمه آنان ناشی شود" اعتبار خود را از دست می‌دهند) (تاکید اضافه شده است). همانطور که در فوق اشاره رفت، تا آنجا که اطلاع دارم، هیچ قانون مصوب صریحی در باره این موضوع در ایران وجود ندارد. مقایسه شود:

(۲) می‌گویند که بنای اصول مربوط به تعارض قوانین، "قانون قرارداد" یا قانون محل وقوع خلاف حاکم بر موضوعات مربوط به "قید معافیت" می‌باشد. J. Morris, *The Conflict of Laws* 212, 235, 261 (2d ed. 1980); see Ehrenzweig, *A Treatise on Conflict of Laws* 465-70 (1962) (rule of validation); but cf. Comment, *Conflict of Laws: "Party Autonomy" in Contracts*, 57 Colum. L. Rev. 553, 571 n. 149 (1957); see discussion of applicable law, *supra*.

مواد ۱۰ و ۲۲۰ قانون مدنی ایران (الزام طرفین به موجب شرایط قرارداد و نتایج حاصله به موجب قانون و عرف)، ماده ۲۳۰ (قابل اجرا بودن قیود مربوط به خسارات تقویم شده یا جریعه) (۳).

اصطلاح "غفلت عمده" (مسامحه فاحش) در نظامهای قضائی مختلف تقریباً "مفهومی معادل اعمال عمدی مانند تقلب داشته و یا اصلی است که در موارد صدمات جانی به اشخاص، بکار میرود. رجوع شود به: Litvinoff, *supra*, at 279; see generally Limpens, Kruithof and Meinertzhagen-Limpens, *supra*, at 32-35. از آنجا که طرفین در پرونده حاضر قدرت چانه زنی برابر داشتند و قراردادها، قراردادهای تجاری محسوب می شده و هیچگونه صدمه شخصی در کار نبوده، بنا بر این اگر قرار است که "غفلت عمده" استثنائی در شروط محدودیت میزان مسئولیت باشد، آن استثناء باید استثناء مضیقی نباشد.

موضوع د (ط)

من با نتیجه گیری دیوان مبنی بر اینکه صلاحیت رسیدگی به ادعاهای مبتنی بر قرار داد ۱۱۲ را دارد مخالفم، زیرا قرار داد شماره ۱۱۲، قراردادی که منشأ ادعا باشد نیست.

بندیک ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی به دیوان فقط صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابلی را می دهد که "ناشی از همان قرارداد، معامله یا پیش آمدی باشد که مبنای ادعای آن تبعه را" تشکیل می دهد.

(۳) طرفین این مقررات یا قوانین دیگری را که ممکن بود ارتباط و مناسبت داشته باشد، عنوان نکرده اند. رجوع شود، همچنین به مواد ۳۲۸ - ۳۳۱ قانون مدنی ایران، قانون مسئولیت مدنی ایران. در استناد به نقل قولهای برگزیده رسالات باید رعایت حزم و احتیاط را کرد. صاحب نظران همیشه متفق القول نیستند. رجوع شود به: von Mehren مذکور در فوق، صفحه ۴۴ زیر نویس ۲۵۲ و Litvinoff مذکور در فوق، صفحه ۲۸۰ (که درباره قوانین فرانسه به مراجع صاحب نظر اشاره میکند). همچنین، همانطور که در فوق ذکر شد احتمال دارد بین شروط ابراء و شروط محدودیت میزان مسئولیت، و بین دعاوی تجاری از یکطرف، و خسارات شخصی، یا مصرف کننده از طرف دیگر، وجه تمایزی وجود داشته باشد. جهت بحث در مورد "قانون" در نظامهای قانون مدنی رجوع شود به: *Usatorre v. The Victoria*, 172 F.2d 434, 438-43 (2d Cir. 1949) (Frank, J.); J. Stone, *The Province and Function of Law*, 149-59 (1950); F. Lawson, A. Anton & L. Brown, *supra*, at 14.

منطقی ترین تفسیر شرط بندیک ماده ۲ در رابطه با ادعای متقابل ظاهراً " بنحویزیر است،: اگر ادعائی بر قرارداد دی مبتنی باشد، دیوان تنها صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابلی که از "همان" قرارداد ناشی شود را دارد، اگر ادعا مبتنی بر یک معامله است، مثل معامله ای که در حکم رابطه شبه قرارداد دی است - و مبتنی بر قرارداد نیست، دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل ناشی از "همان" معامله را دارد، اگر ادعا مبتنی بر "پیش آمد" است - مانند سلب مالکیت از اموال - دیوان فقط صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابلی ناشی از "همان" رویداد را دارد. دیوان، علیرغم آنکه این موضوع در این پرونده و سایر پرونده ها مطرح شده، این تفسیر احتمالی را مورد بحث قرار نداده است. (۴)

بند دوم ماده ۳ بیانیه حل و فصل مقرر می دارد که "اجرای امور هیئت (دیوان) طبق مقررات حکمیت کمیسیون سازمان ملل متحده درباره حقوق تجارت بین الملل (انسیترال) خواهد بود، مگر در مواردی که توسط طرفین یا توسط هیئت داور (دیوان) بمنظور اطمینان از اجرای این بیانیه اصلاح میشود..." بند ۳ ماده ۱۹ مقررات انسیترال مقرر می دارد، "خوانده میتواند ادعای متقابلی را مطرح کند. مشروط بر اینکه چنین ادعای متقابل ناشی از همان قرارداد باشد..." (تاکید اضافه شده). (۵) چون ادعای مطروحه در دیوان میتواند ادعای غیر قراردادی باشد، بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می دارد که ادعای متقابل میتواند همچنین ناشی از "معامله یا رویداد" باشد. بندیک ماده ۲.

قوانینی وجود ندارد که طرفین بیانیه حل و فصل دعاوی قصد داشته اند با استفاده از کلمات "معامله یا پیش آمد" به خوانده یک ادعای قراردادی اجازه دهند ادعای متقابلی که ناشی از "همان قرارداد" منشاء ادعا نباشد، اقامه نماید.

(۴) این موضوع در پرونده اونز کورنینگ فایبر گلاس کورپوریشن علیه ایران، قسراً اعدادی ۲ - ۱۱۳ - ۱۸ (۱۳ مه ۱۹۸۳ / ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) مطرح شد ولی حل نگردید.

(۵) بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان مقررات انسیترال را اصلاح کرده و مقرر می دارد "خوانده میتواند... ادعای متقابلی را مطرح کند. مشروط بر آنکه آن ادعای متقابل طبق بیانیه حل و فصل دعاوی مجاز باشد."

نحوه انشای ویژه بند یک ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی، موید تصمیم دیوان در اجازه طرح ادعای متقابلی که ناشی از همان قرارداد منشاء ادعا نبوده، نمیباشد. عبارت "قرارداد، معامله یا پیش آمد" عبارتی است که هر کلمه آن از دیگری مجزا است. بدین ترتیب، هریک از کلمات "قرارداد"، "معامله" و "پیش آمد" شق دیگری را مطرح می کند. از آنجا که "معامله"، اصطلاح وسیعتری از کلمه "قرارداد" بوده و شامل آن هم می شود، (Black's Law Dictionary 1341 (5th ed. 1979))، لذا نیازی نبود که کلمه "قرارداد" را در صورتیکه بتوان قرارداد را برای مقاصد ادعای متقابل، معامله تلقی کرد، در آن بگنجانند.^(۶)

برای اینکه کلمه "قرارداد" مفهومی داشته باشد، قید مندرج در بند یک ماده ۲ باید به نحوی تفسیر شود که صلاحیت (دیوان) محدود به ادعای متقابلی گردد که از قرارداد موضوع ادعای ناشی می شوند. مضافاً "کلمه" همان "نیز دلالت بر این دارد که ادعای متقابل باید ناشی از همان قراردادی باشد که موضوع ادعا است.

ماهیت مجزای ادعای قراردادی و ادعای مبتنی بر یک معامله، در آن قسمت از بند یک ماده ۲ که مقرر می دارد ادعاها و ادعای متقابل باید "ناشی از دیون، قراردادها (شامل اعتبارات اسنادی یا ضمانتهای بانکی) ضبط اموال و یا هر اقدام دیگری که موثر در حقوق مالکیت باشد"، وضوح بیشتری دارد. اگر کلمه "قرارداد" از کلمه "معامله"، که قرارداد هم می تواند جزئی از آن باشد، قابل تمیز نبود، در این صورت استفاده از پیرامون در بیان آن زائد می بود.

اگر قصد دولتین این بود که ادعای متقابل بتواند مبتنی بر قراردادی باشد که یک قرارداد از یک رشته قراردادهاست ولی خود موضوع ادعا نیست"، در آن صورت میتوانستند این نکته را تصریح کنند. مقایسه شود با بند ج ماده ۴۲۶/۱۰ آئین دادرسی مدنی کالیفرنیا.

(۶) در بند الف ماده ۱۳ قواعد آئین دادرسی فدرال ایالات متحده، اصطلاح "معامله یا رویداد" (بدون اشاره خاصی به قراردادها) در مورد ادعای متقابل اجباری بکار رفته است.

(۷) محدودیت ادعاهای متقابل امر غیرعادی نیست. این مطلب که حل و فصل کلیه اختلافات بین اتباع ایران و ایالات متحده توسط این دیوان ممکن است امر مطلوبی باشد، نمی‌تواند نافی مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی باشد. رجوع شونده ایران - ایالات متحده پرونده الف / ۲ (۱۳ ژانویه ۱۹۸۲ / ۲۳ دیماه ۱۳۶۰). در مورد موضوع مرتبط با این امر مقایسه شود: ای سیستمز اینکوریپوریتد علیه ایران قرار موقت ۳۸۸ - ۱۳ دیوان عمومی (۴ فوریه ۱۹۸۳ / ۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۱) همان ماخذ (نظر موافق هواردا م. هولتزمن و ریچارد ام. ماسک) (۹ فوریه ۱۹۸۳ / ۲۰ بهمن ماه ۱۳۶۱) (که طرح ادعاهائی که باید بعنوان ادعای متقابل در دیوان اقامه شود، بعنوان ادعا در دادگاههای داخلی رانفی میکند، زیرا این ادعاها متضمن همان اختلافات ماهوی است که در ادعاهای مطروحه در دیوان عنوان شده). در واقع، دیوان عمومی متذکر گردیده که دولتی - در بیانیه حل و فصل دعاوی "ادعاهای متقابل اتباع ایران و ایالات متحده علیه اتباع یا دولت دیگر را پذیرفته‌اند، اما تحت شرایط محدودی که در بند یک ماده ۲ بیانیه حل و فصل تصریح شده است ایران - ایالات متحده پرونده الف / ۲ مذکور فوق (تاکید اضافه شده است).

خواهان حق دارد دامنه جریان رسیدگی را بنا بر ماهیت ادعا محدود کند. من بـ... نمونه، اگر خواهانی حقوقی مبتنی بر چندین قرارداد دارد، بدلائل مختلف، میتواند ادعائی را که فقط مبتنی بر یکی از آن قراردادهاست، به ثبت رساند. اگر خواننده بتواند ادعاهای متقابلی در مورد قرارداد های دیگر مطرح سازد، می‌توان استدلال کرد که به خواهان نباید اجازه داده شود که ادعای خود را اصلاح و ادعاهای مبتنی بر قرارداد های دیگری که موضوع ادعا نیستند به ثبت رساند، کاری که شاکی معمولاً "میتواند در یک دادگاه داخلی انجام دهد. رجوع شونده بند ۴ ماده ۳ بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده ۲۰ قواعد دیوان. بنابراین، مجاز نمودن ادعاهای متقابل مبتنی بر قرارداد ها - هائیکه موضوع ادعا نیستند، میتواند منتهی به بی عدالتی شود.

(۸)

(۷) رجوع شونده آئین دادرسی مدنی ایران، ماده ۲۸۴ (ترجمه صبی ۲۹۷۲) (که طرح ادعای متقابل را فقط در صورتی پیش بینی می‌کند که "با دعوی اصلی ناشی از یک منشاء باشد... یا با دعوی نامبرده ارتباط کامل داشته باشد... بین این دودعوی وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک موثر در دیگری باشد".

(۸) نتیجه گیری من این نیست که اینگونه اصلاحیه را نباید نمیتوان مجاز دانست.

ایران خود استدلال کرده است که بیا نیه حل و فصل دعاوی را با بیدنبجوی تفسیرکرد که طرح ادعاهای متقابلی که ناشی از قرارداد موضوع ادعا نیستند، منع گردد. ایران در دفاعیه مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۷ تیرماه ۱۳۶۱) خود راجع به ادعای متقابل ایالات متحده در پرونده ب / ۱ فیما بین ایران و ایالات متحده، در صفحه ۳، اشعار داشته است :

"طبق ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعای متقابل در صورتی قابل طرح است که در ارتباط با همان قراردادی که موضوع اصلی ادعای خواهان را تشکیل میدهد، مطرح گردد. ادعای ایران بشرح صفحه ۲ دادخواست ناشی از تعدادی نامهای اجاب و قبول میباشد که بین دولتین ایران و آمریکا به اتمام رسیده است ... بنا براین، دولت آمریکا نمیتواند به موافقتنا مه سال ۱۹۷۴ استناد نماید، چرا که این قرارداد منشاء دعوی ایران نبوده و نیست."

در پرونده حاضر، قرارداد ۱۱۲ موضوع ادعا نیست. بدین ترتیب، دیوان بنا درست نسبت به ادعای متقابل مبتنی بر قرارداد ۱۱۲ اعلام صلاحیت میکند.

دیوان اشاره میکند که نتیجه گیری وی مبتنی بر شرایط و اوضاع پرونده حاضر میباشد. بنا براین، تصمیم دیوان نیز باید محدود (به این مورد - م) باشد. در هر حال، دیوان ابراز می دارد که صلاحیت خود را در رسیدگی به ادعای متقابل به مواردی محدود میکند که "موضوع قراردادها و ارتباط متقابل و نزدیکی در چارچوب یک برنامه ویژه، با یکدیگر داشته" و "رابطه" بین قراردادها "بحد کفایت محکم باشد بطوری که بتواند یک "معامله" واحد تلقی شود. اگر دیوان معتقد است که صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل مبتنی بر قرارداد را که موضوع ادعا نیست، دارد. این ضابطه میتواند برای تعیین صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل مناسب باشد.

اینجانب با کمال احترام، باتصمیم دیوان در مورد موضوعات د (ط) و ح مخالفم. با
(۹)
بقیه تصمیمات موافقم.

مورخ ۳۱ مه ۱۹۸۴ برابر با ۱۰ خرداد ماه ۱۳۶۳



ریچارد ام. ماسک

(۹) هرچند من در ژانویه ۱۹۸۴ از دیوان استعفا دادم، با اینحال طبق قواعد دیوان در
صدور این حکم اعدادی شرکت کردم، چه بعنوان عضو دیوان موقع استماع مربوط
به "موضوعات حقوقی مقدماتی"، عضو دیوان بودم.